

پرونده گابچی‌کُوو - ناگی‌ماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار

ستار عزیزی*

سید مهدی موسوی**

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/cilamag.2016.23526

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۲

چکیده

قضیه پروژه گابچی‌کُوو - ناگی‌ماروس^۱ اولین قضیه مطروحه در دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به توسعه پایدار بود. این مقاله، ضمن بررسی این قضیه، به تحلیل سه جنبه مرتبط از این اصل می‌پردازد که در رأی دیوان به آن‌ها پرداخته شد. این سه جنبه عبارت است از: مفهوم توسعه پایدار، اصل اقدامات احتیاطی و اصل ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی. مقاله به این نتیجه رسیده است که هم نظر اکثریت قضات دیوان و هم دیدگاه قاضی *ویرامانتری*^۲ نایب‌رئیس وقت دیوان، بر توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در این حوزه تأثیر داشته است، اما این تأثیر، فراگیر و جامع نبوده است.

واژگان کلیدی

گابچی‌کُوو - ناگی‌ماروس، دیوان بین‌المللی دادگستری، توسعه پایدار، محیط‌زیست

* نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه بوعلی سینا، همدان
satarazizi@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه بوعلی سینا، همدان
mousavi.seyedmehdi@gmail.com

1. *Gab kovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia)* [1997] ICJ Rep, 7.

علت نام‌گذاری پرونده به گابچی‌کُوو - ناگی‌ماروس این بود که مجموعه‌ای از آب‌بندها مربوط به گابچی‌کُوو در چکسلواکی و مجموعه‌ای دیگر، مربوط به ناگی‌ماروس در مجارستان بود.

2. Weeramantry

مقدمه

پرونده مربوط به طرح گابچیکوو - ناگیماروس به‌عنوان اولین قضیه ترافیکی که به‌طور مستقیم به طرح مسائل مرتبط با حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌پردازد در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد.^۳ این انتظار ایجاد شد که دیوان از مفهوم توسعه پایدار استفاده خواهد کرد تا میان قواعد سنتی حقوق معاهدات و هنجارهای در حال ظهور حفاظت از محیط‌زیست، تعادل برقرار کند.^۴ اما درحالی‌که دیوان برای اولین بار به مفهوم توسعه پایدار اشاره کرد،^۵ تعهدات زیست‌محیطی گسترده طرفین به‌ندرت مورد توجه اکثریت قضات دیوان قرار گرفت.^۶ درمقابل، دیدگاه جداگانه قاضی ویراماتتری در سطح گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت زیرا به‌تفصیل به بحث درمورد جنبه‌های زیست‌محیطی پرونده پرداخت.

بیش از هفده سال از زمان صدور رأی درمورد قضیه گابچیکوو - ناگیماروس در سال ۱۹۹۷ می‌گذرد. این مقاله، میزان اثرگذاری دیدگاه اکثریت و دیدگاه قاضی ویراماتتری بر شکل‌گیری و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را در طول این دوره بررسی می‌کند. پرسش اصلی مقاله این است که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو رأی فوق‌الذکر تا چه میزان توانسته است بر توسعه قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌صورت عام و مفهوم توسعه پایدار به‌صورت خاص، اثر گذارد؟

لازم به ذکر است که تمرکز این مقاله، نه بر توسعه هنجارهای قراردادی محیط‌زیست، بلکه بر بررسی توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل عرفی است که از طریق اقدامات کشورها و سازمان‌های بین‌المللی توسعه می‌یابد.^۷ منابع فرعی حقوق بین‌الملل یعنی تصمیمات قضایی و دکترین نیز به‌عنوان شاخص‌هایی برای مشاهده توسعه در حوزه عرف، مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان، به آرای محاکم داخلی نیز باید توجه خاصی داشت.^۸ به نظر می‌رسد که هم اکثریت قضات و هم قاضی ویراماتتری در نظریه جداگانه خود، باوجود تأکید بر حوزه‌های متفاوت، تأثیری قابل‌توجه - اگرچه نه کاملاً جامع - بر توسعه حقوق بین‌الملل

3. Stephen Stec and Gabriel Eckstein, Of Solemn Oaths and Obligations: The Environmental Impact of the International Court of Justice Decision in the Case Concerning the Gabıkovo-Nagymaros Project, 8 *Yearbook of International Environmental Law*, 1997, pp. 40-41.

4. Stephen Stec, Do Two Wrongs Make a Right? Adjudicating Sustainable Development in the Danube Dam Case, 29 *Golden Gate University Law Review*, 1999, pp. 317-319.

5. Gabıkovo-Nagymaros Project (*Hungary v Slovakia*) (*Separate Opinion of Vice President Weeramantry*), ICJ Rep. [Separate Opinion], 1997, pp. 7-88.

6. Erika Preiss, The International Obligation to Conduct an Environmental Impact Assessment: the International Court of Justice Case Concerning the Gabıkovo-Nagymaros Project, 7 *New York University Environmental Law Journal*, 1999, pp. 307-308.

۷. راجع به رویه دولت‌ها، ن.ک:

Ian Brownlie, *Principles of Public International Law*, Oxford University Press, 5th ed, 1998, 5.

8. Stec, *op. cit.*, No. 5, 325.

محیط زیست داشته‌اند. این تأثیر را می‌توان در سه جنبه نوظهور و دارای ارتباطات متقابل پیچیده از توسعه پایدار مشاهده کرد.^۹ این سه جنبه عبارت است از: خود مفهوم توسعه پایدار، اصل اقدامات احتیاطی و ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی.

۱. شرح قضیه

قضیه گابچیکوو- ناگیماروس به اختلاف بین مجارستان و چکسلواکی در خصوص اجرای تعهدات قراردادی مربوط می‌شود که در سال ۱۹۷۷ بین طرفین امضا شد.^{۱۰} موضوع این قرارداد در رابطه با احداث مجموعه‌ای از آب‌بندها بر روی رودخانه دانوب بود که طرفین به‌طور مشترک آن را ساختند و برای تولید برق آبی، ارتقای ناوبری و حفاظت در برابر سیل طراحی شده بود.^{۱۱} عملیات احداث در سال ۱۹۷۸ آغاز شد.^{۱۲} هنگامی که دولت مجارستان با نگرانی‌ها و انتقادات زیست‌محیطی داخلی مواجه شد، عملیات سدسازی در بخشی از پروژه را که مربوط به خودش می‌شد در سال ۱۹۸۹ به حالت تعلیق درآورد و در نهایت، قرارداد را در سال ۱۹۹۲ فسخ کرد.^{۱۳} استدلال دولت مجارستان این بود که خطرات زیست‌محیطی طرح، شامل کاهش جریان آب، آسیب به کیفیت آب و از بین رفتن جانداران و گیاهان رودخانه‌ای، غیرقابل‌پذیرش است.^{۱۴} در پی این اقدام، چکسلواکی در قلمرو خود، شروع به منحرف کردن یک‌جانبه مسیر رود دانوب کرد. این پروژه که به Variant C مشهور شد، جایگزینی برای پروژه اولیه بود.^{۱۵} این امر، جریان رو به پایین آب به سوی مجارستان را به شدت کاهش داد.^{۱۶}

از دیوان خواسته شد که ابتدا در این مورد رأی صادر کند که آیا مجارستان، حق رهاسازی پروژه، چکسلواکی حق اجرای Variant C و مجارستان، حق فسخ قرارداد را داشتند؟^{۱۷} در رابطه با ادعای اول، دیوان اظهار داشت که مجارستان با قطع پیگیری عملیات پروژه، قرارداد را نقض کرده است و نمی‌تواند برای توجیه نقض قرارداد، به عذر ضرورت «رعایت ملاحظات

۹. برای اطلاع از نظریه اختصاصی نایب‌رئیس وقت دیوان، قاضی ویرامتری ن. ک:

محمدرضا ضیایی بیگدلی و دیگران؛ آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۸، ص ۴۳۳ و ۴۳۴.

۱۰. در تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۳ چکسلواکی به دو کشور جمهوری چک و اسلواکی تقسیم شد. پس از آن جمهوری اسلواکی دولت جانشین در معاهده مذکور شد.

11. Gab kovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia) (Judgment), ICJ Rep, 1997, 17-18.

12. Judgment, *op. cit.*, No. 12, p. 25.

13. *Ibid.*, pp. 25-27.

14. *Ibid.*, p. 35.

15. *Ibid.*, p. 25.

16. *Ibid.*, p. 27.

17. *Ibid.*, pp. 11-12.

زیست‌محیطی» استناد کند.^{۱۸} در مورد دوم، اقدام چکسلواکی مبنی بر محروم کردن مجارستان از داشتن «سهام معقول و منصفانه» از رود دانوب، با اجرای Variant C عملی غیرقانونی اعلام شد.^{۱۹} در نهایت، دیوان حکم کرد که فسخ قرارداد از سوی مجارستان بی‌اعتبار بوده است.^{۲۰} توجیحات مختلف فسخ قرارداد که مجارستان مطرح کرد، از جمله این ادعا که هنجارهای جدید حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، عدم اجرای قرارداد را توجیه می‌کند نیز مورد قبول دیوان قرار نگرفت.^{۲۱}

۲. تحلیل

در قضیه گابچیکوو - ناگیماروس، سه مفهوم توسعه پایدار (به معنی خاص)، اصل اقدامات احتیاطی و اصل ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی در تحلیل موضوع اثرگذار بود که همه آن‌ها در مجموع به موضوع توسعه پایدار (در مفهوم عام) مربوط می‌شد. در اینجا هر کدام از آن سه مفهوم و اصل، به ترتیب بررسی می‌شود.

۲-۱. توسعه پایدار

با وجود این واقعیت که توسعه پایدار در حوزه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، بیش از گذشته مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، هنوز بر سر معنای آن اتفاق نظر وجود ندارد.^{۲۲} توسعه پایدار، فرایندی برای به‌دست‌آوردن پایداری در هر نوع فعالیتی است که نیاز به جایگزینی سریع و یکپارچه منابع آن وجود دارد. توسعه پایدار که از دهه ۱۹۹۰ میلادی بر آن تأکید شد، جنبه‌ای از توسعه انسانی و در ارتباط با محیط‌زیست و نسل‌های آینده است و هدف توسعه انسانی، پرورش قابلیت‌های انسانی است. توسعه پایدار، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های جوامع را فراهم می‌آورد و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام جوامع و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه باشد.^{۲۳} اصل توسعه پایدار، یکی از مفاهیم در حال تحول در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌شمار

18. *Ibid.*, p. 46.

19. *Ibid.*, p. 56.

20. *Ibid.*, p. 69.

21. *Ibid.*, p. 63-68.

22. Afshin A-Khavari and Donald Rothwell, The International Court of Justice and the Danube Case: A Missed Opportunity for International Environmental Law? 22 *Melbourne University Law Review*, 1998, pp. 507-508.

23. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، ن.ک: یوسف گرجی مهبانی؛ «نقد معماری پایدار و نقد آن در حوزه محیط‌زیست»، نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹، ص ۹۱-۱۰۰.

می‌رود و با هدف ایجاد آشتی میان سه عنصر جدایی‌ناپذیر توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و احترام به محیط‌زیست مطرح شده است. این مفهوم در مسائل زیست‌محیطی به شکلی نمود پیدا کرده است که صلاحیت دولت‌ها در مدیریت توسعه خود را با محدودیت مواجه کند. در برخی اسناد بین‌المللی به این مفهوم اشاره شده است: اصل ۳ اعلامیه ریو یادآور شده که حق توسعه باید به‌نحوی اعمال شود که به‌طور مساوی نیازهای توسعه‌ای و زیست‌محیطی نسل کنونی و نسل‌های آینده را برآورده سازد. اصل ۴ نیز ضمن اشاره به مفهوم توسعه پایدار، اعلام می‌کند که برای رسیدن به توسعه پایدار، محافظت از محیط‌زیست باید به بخش جدایی‌ناپذیر از فرایند توسعه تبدیل شود. به‌علاوه اصل ۲۷ از دولت‌ها تقاضا می‌کند که در راستای توسعه حقوق بین‌الملل، در زمینه توسعه پایدار با یکدیگر همکاری کنند. ماده ۳ کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی نیز تصریح کرده که تمام دولت‌های عضو از حق توسعه برخوردار و موظف به اعتدالی آن هستند. همچنین کنوانسیون تنوع زیست‌محیطی نیز در مواد متعدد و از جمله در مواد ۱، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ به مفهوم بهره‌برداری پایدار اشاره کرده است.^{۲۴} لذا بر اساس درک کلی، توسعه پایدار، مستلزم حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان جزء اساسی فرایند توسعه است.

مفهوم توسعه پایدار، هم در رأی اکثریت قضات دیوان و هم در نظر جداگانه قاضی ویرامانتری در قضیه گابچیکوو به رسمیت شناخته شد. در بررسی ادعای مجارستان مبنی بر اینکه هنجارهای زیست‌محیطی جدید با تفسیر معاهده مرتبط است، دیوان بر اهمیت محیط‌زیست، نه به‌عنوان موضوع انتزاعی بلکه به‌عنوان مسئله‌ای که نمایانگر فضای زندگی، کیفیت زندگی و سلامت واقعی انسان‌هاست و شامل سلامت انسان‌هایی که هنوز متولد نشده‌اند نیز می‌شود، تأکید کرد.^{۲۵} در این قضیه، دیوان در توصیف توسعه پایدار، چنین خاطر نشان کرده است:

«در طول قرون، بشر برای مقاصد اقتصادی و غیراقتصادی، همواره در طبیعت مداخله کرده و در گذشته این مداخله اغلب بدون توجه به اثرات آن بر محیط‌زیست صورت گرفته است. به کمک اکتشافات علمی و افزایش آگاهی‌های مردم نسبت به خطرات زیست‌محیطی برای بشر، معیارها و هنجارهای جدیدی شکل گرفته است که در طول دو دهه گذشته در بسیاری از اسناد حقوقی معرفی شده است. این هنجارها و معیارهای جدید، صرفاً نه در زمانی که کشورها در صدد انجام اقدامات جدید هستند، بلکه همچنین در زمان‌هایی که در حال ادامه فعالیت‌های آغاز شده در گذشته هستند، باید مورد توجه قرار گرفته و از اهمیت لازم برخوردار شود. این نیاز به ایجاد

۲۴. شاو، ملکم؛ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ترجمه: علی مشهدی و حسن خسروشاهی، خرسندی، ۱۳۹۲، صص ۵۳ و ۵۴.

25. Judgment, above No. 12, Quoting from Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons Case, (Advisory Opinion) ICJ Rep, 1996, p. 241.

همچنین ن. ک. بلز، چیکاو؛ چکیده رویه قضایی در حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه: همایون حبیبی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷، صص ۲۰۵-۲۰۶.

سازگاری بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست، آن‌گونه که ضرورت دارد در بحث توسعه پایدار مطرح شده است».^{۲۶}

این مقاله دربرگیرنده ارجاع به موضوع توسعه پایدار در رأی هشتاد و سه‌امین است. این ارجاع به توسعه پایدار، از دو جهت حائز اهمیت است: اول اینکه هرچند دیوان تعریف خاصی از توسعه پایدار ارائه نکرده است،^{۲۷} سودمندی این مفهوم به‌عنوان ابزار مفید برای ایجاد تعادل بین حفاظت از محیط‌زیست و توسعه اقتصادی از سوی دیوان به رسمیت شناخته شد.^{۲۸} دوم اینکه دیوان، توسعه پایدار را به‌عنوان مفهوم مطرح کرده است، به این معنا که درحالی‌که توسعه پایدار دارای «جایگاه مشخصی در حقوق بین‌الملل» است،^{۲۹} هنجار بین‌المللی الزام‌آور به‌شمار نمی‌رود.^{۳۰} این تفسیر با توجه به اینکه اقدامات کشورهای موردنظر، خلاف استاندارد بین‌المللی توسعه پایدار تلقی نشد، تأیید می‌شود.^{۳۱} به‌علاوه در رأی دیوان، طرفین ملزم شدند که تنها در رابطه با تأثیرات زیست‌محیطی طرح گابچیکوو بررسی مجدد کنند.^{۳۲} بنابراین، توسعه پایدار، اساساً تنها به‌عنوان مفهومی پذیرفته شده است که به‌هنگام تدوین پروژه‌های مربوط به توسعه اقتصادی می‌بایست با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی، آن را در نظر داشت اما بدان معنا نیست که در طراحی هر برنامه توسعه اقتصادی، رعایت توسعه پایدار، تنها عامل اساسی باشد.^{۳۳} اما مطالعه نظر جداگانه قاضی ویرامانتری نشان می‌دهد که وی توجه بسیار بیشتری به موضوع توسعه پایدار دارد. دیدگاه او از دو جنبه مهم با دیدگاه اکثریت متفاوت است:

اول اینکه وی توسعه پایدار را تنها به‌عنوان مفهوم توصیف نکرده بلکه آن را اصلی واجد ارزش هنجاری برمی‌شمرد که مستلزم ایجاد تعادلی بین توسعه و حفاظت از محیط‌زیست است.^{۳۴} او این اصل را بخشی اساسی از حقوق بین‌الملل نوین می‌پندارد^{۳۵} که به دلیل پذیرش گسترده کشورها، عرف بین‌المللی شده است.^{۳۶} با مرور تجربیات تاریخی فرهنگ‌ها و نظام‌های حقوقی

26. Judgment, *op. cit.*, No. 12, p. 78.

27. Sumudu Atapattu, *Emerging Principles of International Environmental Law*, 2006, p. 155.

28. Alan Boyle and David Freestone, Introduction in A. Boyle and D. Freestone (eds), *International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future Challenges*, 1999, p. 10.

29. Philippe Sands, International Courts and the Application of the Concept of Sustainable Development, 3 *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, 1999, pp. 389-403.

30. Separate Opinion, *op. cit.*, No. 6, pp. 88-89.

همچنین ن.ک: ضیایی بیگدلی و دیگران: همان، صص ۴۳۳ و ۴۳۴.

31. Boyle and Freestone, above No. 29, p. 16.

32. Judgment, *op. cit.*, No. 12, p. 78.

33. Alan Boyle, The Gabçkovo-Nagymaros Case: New Law in Old Bottles, 8 *Yearbook of International Environmental Law*, 1997, pp. 14-18.

34. Separate Opinion, *op. cit.*, No. 6, 88-90.

35. *Ibid.*, pp. 89, 95.

36. *Ibid.*, pp. 93, 95, 104.

متعددی در جهان، وی به این نتیجه می‌رسد که این ضرورت که در انجام اقدامات انسانی، محیط‌زیست محترم شمرده شود، ارزش بین‌المللی و جهانی است و تلویحاً می‌توان گفت که اصل کلی حقوقی است.^{۳۷}

دوم اینکه قاضی *ویراماتتری* توسعه پایدار را در مقوله حقوق بین‌الملل بشر و از رهگذر سازش میان حق توسعه و حفظ محیط‌زیست مطرح کرد. از یک سو حق انسان برای توسعه قرار دارد که از حمایت قاطع جامعه بین‌المللی برخوردار است.^{۳۸} از سوی دیگر، حق انسان در برخورداری از محیط‌زیست سالم به‌عنوان حق بشری قرار دارد.^{۳۹} وی معتقد بود که بدون برخورداری از چنین حقی، حقوق دیگر، از جمله حق حیات نیز الزاماً مخدوش خواهد شد.^{۴۰} اصل توسعه پایدار به‌عنوان ابزاری برای برقراری تعادل بین آن حقوق عمل می‌کند.^{۴۱} این اصل، حق توسعه را با اطمینان از اینکه ملاحظات منطقی و معقول حفاظت از محیط‌زیست را نیز در بر دارد، متعادل می‌سازد.^{۴۲}

تعداد قابل توجهی از حقوق‌دانان، دیدگاه اکثریت را از این جهت نقد می‌کنند که در مقایسه با رویکرد جامع قاضی *ویراماتتری*، درک کاملی از مفهوم توسعه پایدار نداشته‌اند.^{۴۳} بدون شک، دیدگاه این قاضی از مقبولیت گسترده برخوردار بوده و اغلب دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی برای ارائه مفهوم موسعی از اصل توسعه پایدار، آن را نقل می‌کنند.^{۴۴} به‌عنوان مثال، از این مفهوم موسع در یکی از دعاوی در دادگاه بین‌المللی حقوق دریا استفاده شد و برداشتی موسع در خصوص حمایت از محیط‌زیست ارائه شد.^{۴۵} یک قاضی استرالیایی این رویکرد را شاهکار توصیف

۳۷. *Ibid.*, pp. 96, 100-105, 109-110.

۳۸. *Ibid.*, p. 91.

۳۹. *Ibid.*

۴۰. *Ibid.*

۴۱. A-Khavari and Rothwell, *op. cit.*, No. 23, p. 524.

۴۲. Separate Opinion, *op. cit.*, No. 6, p. 92.

۴۳. Vaughan Lowe, Sustainable Development and Unsustainable Arguments, in A. Boyle and D. Freestone, (eds), *International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future Challenges*, 1999, pp. 19-21.

۴۴. Claudia Marques and Catherine Tinke, The Water Giant Awakes: An Overview of Water Law in Brazil, 83 *Texas Law Review*, 2005, p. 2185.

۴۵. *Transcript of Proceedings, Case Concerning Land Reclamation by Singapore (Malaysia v Singapore)*, The International Tribunal for the Law of the Sea, 27 November 2003, <<http://www.itlos.org>> at 25 March 2012.

در قضیه مربوط به گسترش سرزمین (Land Reclamation) (دعوی مالزی علیه سنگاپور) در خصوص پروژه گسترش سرزمین در داخل و اطراف تنگه‌های جهور، مالزی معتقد بود که اقدامات سنگاپور، تهدیداتی جدی متوجه محیط‌زیست دریایی منطقه کرده و خساراتی را نیز به بار آورده است و در نتیجه سنگاپور مکلف به انجام ارزیابی زیست‌محیطی و نیز اعلام انجام اقدامات و همفکری با مالزی بوده است. اگرچه دادگاه بین‌المللی حقوق دریا درخواست مالزی برای اتخاذ اقدامات احتیاطی را رد کرد، اما ضرورت ارزیابی اثرات زیست‌محیطی را که در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و تحت تأثیر رویه موجود در خصوص پروژه‌های توسعه‌ای عمرانی عظیم پذیرفته شده است در تصمیم خود تصدیق و اعلام کرد که رویه موجود مبین ضرورت ارزیابی اثرات زیست‌محیطی است. این ارزیابی فرایند رسمی است که باید برای پیش‌بینی پیامدهای زیست‌محیطی مثبت یا

کرده است که باید به‌عنوان یکی از منابع الزامی مطالعه برای تمام قضات سراسر آسیای جنوب شرقی در نظر گرفته شود تا مشوقی برای اقدام قضایی در جهت «توسعه حقوق بین‌الملل محیطزیست» باشد.^{۴۶} علاوه بر این، دیدگاه قاضی *ویرامنتری* به‌طور کامل در خلاصه آرای قضایی مرتبط با محیطزیست در برنامه محیطزیست سازمان ملل گنجانده شد.^{۴۷} این خلاصه، در پاسخ به درخواست‌های بیش از یکصد کشور برای کسب راهنمایی در مورد هنجارهای زیست‌محیطی در حال ظهور تهیه شده بود. این موارد استفاده از دیدگاه قاضی *ویرامنتری* نشان می‌دهد که این دیدگاه در ارائه رویکردی پیشرو نسبت به توسعه پایدار مؤثر بوده است. گنجانیدن مفهوم توسعه پایدار در حوزه حقوق بشر توسط *ویرامنتری* از دیدگاه بیشتر صاحب‌نظران، موجب افزایش باورپذیری مباحث مربوط به حقوق محیطزیست شده است.^{۴۸} در استرالیا حداقل یکی از قضات آن کشور که در نوشته‌های خود بر امکان انجام اقدامات بین‌المللی جهت تأمین حق بهره‌مندی از محیطزیست پاک و تأثیرگذاری بر قوانین استرالیا تأکید کرده، این موضوع را به رسمیت شناخته است.^{۴۹}

در سطح ملی و در ایالات متحده، دو دادگاه به دیدگاه قاضی *ویرامنتری* در قضیه *گابچیکوو* استناد کرده‌اند. در اولین پرونده، از این دیدگاه به‌عنوان سند وجود حق حیات که ممکن است بر اثر خسارات زیست‌محیطی آسیب ببیند، استفاده شد.^{۵۰} در پرونده دوم نیز از این دیدگاه به‌عنوان مبنایی استفاده شد تا از شناسایی یکی از ابعاد حقوق بشر با عنوان حق بهره‌مندی از محیطزیست پاک در کنار حق حیات، سلامت و توسعه پایدار حمایت کند.^{۵۱} در حالی که در هر دو پرونده، حقوق مطرح‌شده طبق آرای دادگاه‌ها از چنان قطعیت کافی در حقوق بین‌الملل برخوردار نبود تا به قاعده عرفی مبدل شود،^{۵۲} نکته حائز اهمیت این است که از دیدگاه قاضی *ویرامنتری* در دعاوی

منفی طرح، سیاست، برنامه یا پروژه، قبل از تصمیم به حرکت یا انجام اقدام پیشنهادی انجام پذیرد. به این ترتیب، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها برای اولین بار با ارائه برداشتی موسع از حمایت‌های محیطزیستی، ضرورت انجام ارزیابی اثرات زیست‌محیطی توسط دولت خوانده را به‌عنوان تعهد بین‌المللی به رسمیت شناخت.

46. Justice Paul Stein, Major Issues Confronting the Judiciary in the Adjudication of Cases in the Area of Environment and Development, *The South-East Asian Regional Symposium on the Judiciary and the Law of Sustainable Development*, March 6 1999, <http://www.lawlink.nsw.gov.au/lawlink/supreme_court/ll_sc.nsf/pages/SCO_speech_stein_060399> at 25 March 2012.

47. UNEP, *Compendium of Summaries of Judicial Decisions in Environment Related Cases* (2004), <<http://supremecourt.intnet.mu/entry/UNEP/UNEP%20Compendium%20of%20Summaries%20of%20Judgements%20in%20Environment-related%20Cases.pdf>> 25 March 2012.

48. Jennifer Cassel, *Enforcing Environmental Human Rights: Selected Strategies of US NGOs*, 6 *Northwestern University Journal of International Human Rights*, 2007, p. 69.

49. *Ibid.*, p. 45.

50. *Sarei and Others v. Rio Tinto Plc.*, 2002, 221 F. Supp 2 d 1116, 1157.

51. *Flores and Others v. Southern Peru Copper Corporation*, 2002, 253 F. Supp 2d 510, p. 520.

52. *Flores, supra note 52* at 520; *Sarei, supra note 51* at 1158.

حقوقی در دادگاه‌های داخلی جهت حمایت از وجود حقوق محیط‌زیست، استفاده می‌شود. این مسئله نشان‌دهنده پذیرش رو به رشد این حق در نظام حقوق داخلی و در نتیجه، توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو دیدگاه‌های قاضی *ویرامانتری* است.

با وجود این، بحث مفصل قاضی *ویرامانتری* در رابطه با جایگاه توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل، به اندازه دیدگاه‌های او درباره حقوق محیط‌زیست، تأثیرگذار نبود. هم اکثریت قضات و هم قاضی *ویرامانتری* در این خصوص اتفاق نظر داشتند که توسعه پایدار، مستلزم ادغام توسعه اقتصادی با حفاظت از محیط‌زیست است. اما درحالی که اکثریت، آن را «تنها یک مفهوم» تصور می‌کردند، قاضی *ویرامانتری* آشکارا آن را به‌عنوان یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی معرفی کرد. درحالی که دیدگاه وی حامیانی دارد،^{۵۳} بسیاری از تلقی او از توسعه پایدار به‌عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی انتقاد کرده‌اند.^{۵۴} مهم‌ترین انتقاد مخالفان این است که توسعه پایدار از ارزش هنجاری کافی برخوردار نیست تا بتوان آن را بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی به‌شمار آورد.^{۵۵} با توجه به اینکه هیچ‌گاه از توسعه پایدار، به‌عنوان استاندارد برای تعیین این موضوع که آیا کشورها به‌صورت ناپایدار عمل کرده‌اند استفاده نمی‌شود، این دیدگاه از حمایت بیشتری برخوردار شده است.^{۵۶}

درواقع در ارزیابی پروژه‌های عمرانی و صنعتی باید به‌طور گسترده از اصل توسعه پایدار استفاده شود.^{۵۷} به معنای دقیق کلمه، منطقی است که گفته شود «اگرچه ممکن است رعایت مؤلفه‌های توسعه پایدار در نظام حقوق بین‌الملل الزامی نباشد، دولت‌ها ملزم‌اند که در نتیجه فرایند برنامه‌های مربوط به توسعه، به ارتقای توسعه پایدار توجه داشته باشند».^{۵۸} در این مفهوم می‌توان توسعه پایدار را هنجاری الزام‌آور با منطبق عملی قلمداد کرد که باید به‌کار گرفته شود تا تعارضات احتمالی میان هنجارهای اولیه توسعه و حفاظت از محیط‌زیست، حل‌وفصل شود.^{۵۹} اگر تلقی قاضی *ویرامانتری* از توسعه پایدار به‌عنوان هنجاری قانونی در پرتو این دیدگاه تفسیر شود، از لحاظ ماهوی چندان تفاوتی با دیدگاه اکثریت نخواهد داشت.^{۶۰} در نتیجه، هم از نگاه اکثریت قضات دیوان و هم از منظر قاضی *ویرامانتری*، از توسعه پایدار به‌عنوان رویکردی به تصمیم‌گیری

53. Philippe Sands, *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press, 2nd ed, 2003, p. 254.

54. Boyle and Freestone, *op. cit.*, No. 29, p. 16.

55. Atapattu, *op. cit.*, No. 28, p. 159.

56. Lowe, *op. cit.*, No. 44, p. 23.

57. Atapattu, *op. cit.*, No. 28, p. 160.

58. Boyle and Freestone, *op. cit.*, No. 29, p. 17.

59. Alhaji Marong, From Rio to Johannesburg: The Role of International Legal Norms in Sustainable Development, 16 *Georgetown International Environmental Law Review*, 2003, pp. 21, 29.

60. *Ibid.*, p. 44.

استفاده می‌شود که در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی باید حفاظت از محیط‌زیست را به‌عنوان مؤلفه در نظر داشت.

دیوان عالی سریلانکا به پیروی از رهیافت قاضی *ویراماتری* که توسعه پایدار را قاعده‌ای عرفی در نظام حقوق بین‌الملل تلقی کرده است، به لزوم حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان «بخشی اساسی از فرایند توسعه» اشاره دارد و این مسئله را در ارتباط با یک موافقت‌نامه معدن‌کاری پیشنهادی مطرح کرد: «باید به اصل کلی گنجانده‌شده در عبارت توسعه پایدار از سوی مسئولان توجه کافی شود».^{۶۱} دادگاه به‌طور گسترده‌ای به دیدگاه قاضی *ویراماتری* استناد^{۶۲} و بر پذیرش جایگاه هنجاری این اصل در نظام حقوق داخلی سریلانکا تأکید کرد.^{۶۳} دیوان عالی آفریقای جنوبی نیز در تعیین اینکه آیا اقدام اجرایی در لغو یک مجوز توسعه، غیرمنطقی بوده است یا خیر به قضیه *گابچیکوو* استناد کرد.^{۶۴} با ارجاع به نظرات قاضی *ویراماتری*، دادگاه اظهار داشت: «توسعه پایدار، تشکیل‌دهنده بخشی اساسی از حقوق بین‌الملل نوین بوده و آثار متناقض توسعه و حفاظت از محیط‌زیست را به تعادل خواهد رساند».^{۶۵}

در هر دو پرونده، دادگاه‌های مربوطه پذیرفتند که توسعه پایدار، اصل عرفی است که مستلزم ادغام قواعد و ملاحظات محیط‌زیست با توسعه است. البته از توسعه پایدار به‌عنوان رویکرد در تصمیم‌گیری و نه به‌عنوان معیار رفتار، استفاده شد. در پرونده اول، الزام از نوع توجه کافی به اصول توسعه پایدار توسط مسئولان بود.^{۶۶} اما در پرونده دوم لازم بود که اقدام اجرایی با آگاهی از طیف وسیعی از ملاحظات در الگوی توسعه پایدار صورت پذیرد.^{۶۷}

در پرونده‌های دیگر در سطوح داخلی و بین‌المللی، تنها به رهیافت اکثریت قضات دیوان استناد شده، اما نتایج مشابهی به دست آمده است. از این‌رو در پرونده *میگوی ایالات متحده*، ارگان استیناف سازمان تجارت جهانی تأیید کرد که عموماً مفهوم توسعه پایدار به‌عنوان ادغام رعایت ملاحظات حفظ محیط‌زیست در توسعه اقتصادی پذیرفته شده است.^{۶۸} به‌صورت مشابه در یک داوری بین‌المللی، هیئت داوران از مفهوم توسعه پایدار یاری گرفت تا در مورد «آنچه

61. *Tikiri Banda Bulankulama and Others v. Secretary, Ministry of Industrial Development* (2000) 3 SLR 243 at 274, 276 [Tikiri].

62. *Ibid.*, p. 278.

63. *Ibid.*, p. 274.

64. *BP Southern Africa (Pty) Ltd v MEC for Agriculture, Conservation, Environment and Land Affairs* [2004] JOL 12710, 1 (Claassen J) [BP].

65. *Ibid.*, p. 25.

66. Sumudu Atapattu, Sustainable Development, Myth or Reality? A Survey of Sustainable Development under International and Sri Lankan Law, 14 *Georgetown International Environmental Law Review*, 2001, 296.

67. BP, *op. cit.*, No. 65, p. 35.

68. *United States - Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products* (1998) AB-1998-4, WT/DS58/AB/R (Appellate Body), 129.

می‌بایست و آنچه نمی‌بایست» در زمینه نزاع انجام گیرد، پاسخ‌هایی قطعی را بیان نکند بلکه فقط بپذیرد که محیط‌زیست و توسعه، مفاهیم اساسی است که یکدیگر را تقویت می‌کنند.^{۶۹} بدین ترتیب، در هر دو مورد، توسعه پایدار به‌عنوان ابزاری شکلی در ادغام دو مفهوم تلقی شده است نه به‌عنوان معیاری که بر اساس آن بتوان اقدامات کشورها را ارزیابی کرد.

دیوان عالی هنگ‌کنگ نیز در تعیین اینکه یک تصمیم‌گیرنده اداری، آن‌چنان‌که باید از اصل توسعه پایدار متابعت کرده است یا نه، به رهیافت اکثریت تکیه کرد. دیوان مذکور اظهار داشت: این مفهوم، به دادگاه امکان می‌دهد تا بین حفاظت از محیط‌زیست و ملاحظات توسعه، تعادلی برقرار کند ... رویکرد هیئت، نسبت به اقامه دعوی مجدد ... در پرتو این موضوع، به‌روشنی غیرقابل‌پذیرش است.^{۷۰}

مرور پیشینه تحقیق و آرای قضایی که از قضیه گابچیکوو بهره می‌گیرند نشان می‌دهد که در رابطه با توسعه پایدار، شیوه‌هایی که بر اساس آن، عقیده اکثریت و دیدگاه قاضی ویرامانتری متعاقباً مورد استفاده قرار گرفت، تفاوت قابل‌توجهی ندارند. هر دو بر این نکته صحنه گذاشته‌اند که هدف از توسعه پایدار، ادغام ملاحظات اقتصادی با حفاظت از محیط‌زیست است. علاوه بر این، از توسعه پایدار، اعم از اینکه به‌عنوان عرف در نظر گرفته شود یا خیر، به‌صورت شکلی به‌عنوان «هنجار درون‌شبکه‌ای»^{۷۱} استفاده می‌شود تا تصمیم‌گیرندگان را برای دستیابی به نتیجه‌ای ترکیبی هدایت کند. بنابراین تأثیر توسعه پایدار، وابسته به این نیست که به‌عنوان قاعده‌ای عرفی تلقی شود،^{۷۲} بلکه تأیید آشکار این مفهوم توسط اکثریت اعضای دیوان یا قاضی ویرامانتری به اندازه کافی تضمین می‌کند که این مفهوم، مسئله‌ای مهم در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است.^{۷۳}

۲-۲. اصل اقدامات احتیاطی

اصل اقدامات احتیاطی که طبق دیدگاه اکثریت، از دستیابی به توسعه پایدار، جدانشدنی است،^{۷۴} در قضیه گابچیکوو، آن نقش مهمی را که از آن انتظار می‌رفت ایفا نکرد.^{۷۵} اکثریت در دلایل خود، سخنی از این اصل به میان نیاوردند و قاضی ویرامانتری نیز صرفاً به‌طور تلویحی به آن

69. *Arbitration regarding the Iron Rhine Railway (Belgium v. Netherlands)*, PCA, (2005), pp. 59-60, <http://www.pcacpa.Org/showpage.asp? pag_id=1155>at 25 March 2012.

70. *Society for the Protection of the Harbour Ltd v. Town Planning Board*, 2003, pp. 86-87.

71. Interstitial Norm

72. Boyle and Freestone, *op. cit.*, No. 29, p. 11.

73. A-Khavari and Rothwell, *op. cit.*, No. 23, p. 527.

74. Boyle and Freestone, *op. cit.*, No. 29, p. 9.

75. Arie Trouwborst, *Evolution and Status of the Precautionary Principle in International Law*, Kluwer Law International, 2002, p. 162.

اشاره کرد.^{۷۶} لذا این کم‌توجهی، تأثیر منفی قابل‌توجهی - اگرچه احتمالاً ناخواسته - را بر این اصل داشته است.

اصل اقدامات احتیاطی یکی از چند هنجار زیست‌محیطی در حال ظهور بود که مجارستان جهت اثبات مشروعیت فسخ معاهده از سوی این کشور به آن استناد کرد.^{۷۷} این کشور بر اصل اقدامات احتیاطی، خصوصاً در شکل کلاسیک آن تأکید می‌کرد و ادعا می‌کرد که حقوق بین‌الملل، کشورها را ملزم به انجام اقدامات احتیاطی می‌کند تا آسیب به منابع فرامرزی خود را پیش‌بینی و از آن جلوگیری کرده یا آن را به حداقل رسانده و اثرات منفی آسیب‌ها را کاهش دهند. هنگامی که خطر وقوع آسیب‌های جدی یا جبران‌ناپذیر وجود دارد، نباید از عدم قطعیت علمی به‌عنوان دلیلی برای به‌تعویق انداختن چنین اقداماتی استفاده شود.^{۷۸}

اکثریت قضات دیوان به‌طور کلی پذیرفتند که در نظام حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، هنجارهای جدیدی ایجاد شده است.^{۷۹} همچنین دیوان پذیرفت که آمادگی و پیشگیری در حوزه حمایت‌های زیست‌محیطی ضروری است.^{۸۰} بیان چنین اظهاراتی می‌تواند حاکی از این باشد که دیوان به‌طور کلی حامی اصل اقدامات احتیاطی است.^{۸۱} اما برخلاف مجارستان، اکثریت قضات، به‌صراحت اشاره‌ای به اصل اقدامات احتیاطی نکردند چه برسد به اینکه بخواهند جایگاهی برای آن در نظر گرفته یا حتی آن را اجرایی کنند. این عدم توجه به اصل اقدامات احتیاطی در استدلال دیوان، از دو جنبه، تأثیر منفی بر این اصل گذاشته است:

اول اینکه همین عدم توفیق اکثریت در تبیین مناسب جایگاه اصل اقدامات احتیاطی، موجب عدم اطمینان شده و توسعه این اصل را در سطح بین‌المللی متوقف می‌کند.^{۸۲} از این رو به‌عنوان مثال، در قضیه گوشت‌های هورمونی و فراورده‌های گوشتی هورمونی جامعه اروپایی، هنگامی که جامعه اروپا استدلال کرد که اصل اقدامات احتیاطی به قاعده‌ای عرفی در حقوق بین‌الملل تبدیل شده است، ارگان استیناف سازمان جهانی تجارت با استناد به عدم توفیق دیوان بین‌المللی دادگستری در استناد به این اصل در قضیه گابچیکوو اظهار داشت که پذیرش این اصل به‌عنوان قاعده عرفی، نشانه بی‌تدبیری است.^{۸۳} این استدلال در پرونده زیست‌فناوری جوامع اروپایی تکرار

۷۶. جهت آگاهی بیشتر در این خصوص به مبحث مربوط به مفهوم ارزیابی اثرات زیست‌محیطی مراجعه شود.

77. See *Gabıkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia)* Memorial of Hungary, vol. 1 [10.94] and Counter-Memorial of Hungary, vol. 1 [4.24]; Judgment, *op. cit.*, No. 12, p. 62.

78. *Application of the Republic of Hungary v. The Czech and Slovak Republic on the Diversion of the Danube River*, partially reproduced in: Trouwborst, *op. cit.*, No. 76, 163.

79. Judgment, *op. cit.*, No. 12, p. 78.

80. *Ibid.*

81. Trouwborst, *op. cit.*, No. 76, p. 164.

82. Sands, *op. cit.*, 1999, p. 39.

83. European Communities- Measures Concerning Meat and Meat Products (Hormones), 1998, AB-1997-4, WT/DS26/AB/R (Appellate Body), pp. 12-123.

شد که در آن هیئت به عدم هرگونه «ری معتبر دادگاه یا دیوان بین‌المللی» در این خصوص اشاره کرد.^{۸۴} به‌طور مشابه در قضیه ماهی تن بلوفین جنوبی، دادگاه بین‌المللی حقوق دریا بر مبنای جایگاه اصل اقدامات احتیاطی حکم نکرد. یک قاضی دادگاه بین‌المللی حقوق دریا با توجه به اینکه دیگر دیوان‌های بین‌المللی از ارائه پاسخ اجتناب ورزیده بودند این امر را قابل‌درک دانست.^{۸۵}

عدم اجماع در دکترین نیز منعکس‌کننده این سردرگمی است. به‌عنوان مثال، کمیسیون حقوق بین‌الملل که اصلی‌ترین نهاد مسئول برای توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل است، درحالی‌که اظهار داشت اصل اقدامات احتیاطی با اقبال جهانی روبه‌رو شده است، با تصریح به عدم اظهارنظر دیوان درباره این اصل در قضیه گابچیکوو، درمورد اعلام آن به‌عنوان عرف، مردد بود.^{۸۶} در نتیجه تردیدی نیست که این قضیه، بر تمایل دیگر دادگاه‌ها و نهادهای بین‌المللی و به‌طور کلی بر نظام حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برای استفاده از اصل اقدامات احتیاطی و توسعه آن، اثر منفی داشته است.^{۸۷} اگرچه دیوان ملزم به اعلام این اصل به‌عنوان قاعده عرفی نبود،^{۸۸} می‌توانست در اینجا که فرصت کاملاً مساعد بود، جایگاه این اصل را روشن کند.^{۸۹} ناتوانی دیوان در اعلام اصل اقدامات احتیاطی به‌عنوان قاعده عرفی، اثرات مخربی بر آن اصل داشت زیرا دیوان به‌عنوان ارگان قضایی سازمان ملل متحد، در موضوعات حقوق بین‌الملل عمومی از چنان صلاحیت حقوقی برخوردار است که دیگر دادگاه‌ها و نهادها، علی‌القاعده تابع آن هستند. «واکنش زنجیره‌ای» نسبت به «فلج اقدامات احتیاطی» که برخی به‌طور کنایه، در اشاره به ناهماهنگی بین دادگاه‌ها می‌گویند،^{۹۰} باعث شده است که هیچ دادگاه دیگری تمایلی به صدور رأی بر مبنای

84. European Communities- Measures Affecting the Approval and Marketing of Biotech Products (2006), WT/DS291/R (Panel), pp. 87-88.

85. Southern Bluefin Tuna Cases (Requests for Provisional Measures) (*New Zealand v. Japan; Australia v. Japan*), (Separate Opinion of Judge Treves), The International Tribunal for the Law of the Sea, 2001, <http://www.itlos.org/case_documents/2001/document_en_126.pdf> at 25 March 2012.

86. Pemmaraju Sreenivasa Rao (Special Rapporteur), *Third Report on the Legal Regime for the Allocation of Loss in Case of Transboundary Harm Arising out of Hazardous Activities*, 58th Session of the International Law Commission, 2006, UN Doc. A/CN.4/566.

87. Helene Trudeau and Celine Negre, Precaution in Multilateral Environmental Agreements and Its Impact on the World Trading System, in M. Gehring and M. Segger (eds) *Sustainable Development in International Trade Law*, 2005, pp. 695, 616.

۸۸. البته استدلال‌های مستحکمی مبنی بر اینکه این اصل جایگاه عرفی دارد نیز وجود دارد.

۸۹. این دیدگاه در دکترین رایج است. جهت آگاهی بیشتر در این خصوص، ن.ک:

Owen McIntyre, Case Law Analysis: Environmental Protection of International Rivers, 10(1) *Journal of Environmental Law*, 1998, p. 88.

90. Gilbert Guillaume, The Proliferation of International Judicial Bodies: The Outlook for International Legal Order, Sixth Committee of the General Assembly of the United Nations, 27 October 2000, <<http://www.icjci.org/presscom/index.php?pr=85&p1=6&p2=1&search=gabcikovo>>, 25 March 2012.

جایگاه و محتوای عرفی اصل اقدامات احتیاطی نداشته باشد.^{۹۱} قابل‌پیش‌بینی است تا زمانی که فرصت برای دیوان جهت پرداختن به این موضوع حاصل نشود، دادگاه‌ها، کشورها و وکلای بین‌المللی سردرگم مانده و توسعه اصل اقدامات احتیاطی متوقف خواهد شد.

دومین تأثیر دیدگاه اکثریت بر اصل اقدامات احتیاطی از اهمیت و ظرافت بیشتری برخوردار است. مجارستان برای توجیه اقدام خود در فسخ معاهده با این ادعا که این طرح باعث ورود آسیب جدی به رودخانه دانوب می‌شود به «ضرورت حمایت از محیط‌زیست» استناد کرد.^{۹۲} دیوان برای اولین بار اعلام کرد که نگرانی دولت مجارستان در مورد محیط‌زیست آن کشور در آن منطقه که پروژه گاجیکوو - ناگیماروس بر آن اثر منفی داشته می‌تواند به «منافع اساسی» آن کشور مربوط باشد و دفاع ضرورت، مندرج در ماده ۳۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت در آن خصوص مطرح شود و به پیروی از تفسیر کمیسیون در مورد آن ماده، خاطرنشان کرد که نمی‌توان «منفعت اساسی» دولت را به موضوع موجودیت دولت فروکاست بلکه دفاع از محیط‌زیست و رفع نگرانی‌های جدی در این ارتباط نیز می‌تواند «منفعت اساسی» هر دولت محسوب شود. دیوان به نقل از کمیسیون اضافه کرد «در دو دهه اخیر، حفاظت از قوانین محیط‌زیستی وارد قلمرو «منافع اساسی» دولت‌ها شده است.^{۹۳} اما دیوان معتقد بود که برای دفاع مبتنی بر ضرورت، می‌بایست منافع موردنظر در معرض «خطر جدی و قریب‌الوقوع» باشد. در واقع، دیوان خاطرنشان می‌کند که «قریب‌الوقوع بودن»، فراتر از «امکان» است و وجود تهدید باید حتمی و عملی باشد.^{۹۴} اما در شرایطی همچون شرایط مجارستان، آسیب زیست‌محیطی در سال ۱۹۸۹ قطعی نبود و اقدامات دولت مجارستان نیز تنها راه ممکن در پاسخ به آن خطر نبود.^{۹۵} لذا تشخیص وجود خطر احتمالی به‌تنهایی کافی نیست.^{۹۶} به‌علاوه، خطر موجود به اندازه کافی قریب‌الوقوع تلقی نشد.^{۹۷} در حالی که دیوان این احتمال را رد نکرد که خطر ایجادشده در بلندمدت را هم می‌توان قریب‌الوقوع تلقی کرد، اما می‌بایست این اطمینان به وجود آید که در آن مقطع زمانی که به مسئله ضرورت استناد می‌شود، «تحقق خطر در آینده، هرچند نسبت به آینده است، در هر صورت، اگر الآن در مقابل آن اقدام نشود، وقوع آن، حتمی یا اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.»^{۹۸}

91. Trouwborst, *op. cit.*, No. 76, p. 177.

92. Judgment, *op. cit.*, No. 12, p. 35.

93. *Ibid.*, p. 54.

94. *Ibid.*

95. *Ibid.*

96. *Ibid.*

97. *Ibid.*

98. *Ibid.*

به‌علاوه ن.ک:

Daniel Dobos, The Necessity of Precaution: The Future of Ecological Necessity and the Precautionary Principle, 13 *Fordham Environmental Law Journal*, 2002, pp. 375, 381.

دیوان اعلام کرد که استناد مجارستان به دفاع، ضرورت قانع‌کننده نیست، مگر آنکه آن کشور بتواند ثابت کند خطری جدی و قریب‌الوقوع در سال ۱۹۸۹ وجود داشته و اقدامات مجارستان، تنها راه ممکن در پاسخ به آن خطر بوده است. در واقع، این بخش از رأی که ظاهراً تنها به حقوق مسئولیت دولت‌ها می‌پردازد - شاید به‌طور ناخواسته - به اصل اقدامات احتیاطی لطمه وارد می‌کند. دلیلش این است که اصل اقدامات احتیاطی چنین مقرر می‌دارد که اقدامات لازم برای پیشگیری از آسیب زیست‌محیطی، می‌بایست حتی پیش از آنکه سند علمی و قطعی مبنی بر وجود آسیب و خطر ارائه شود، صورت گیرد.^{۹۹} اما زمانی که مجارستان اظهار داشت شواهد علمی که ارائه می‌دهد دال بر وجود خطر آسیب جدی زیست‌محیطی است، این تهدید زیست‌محیطی به اندازه کافی قطعی تلقی نشد تا انجام اقدامات احتیاطی را توجیه کند.

احکام دیوان در رابطه با این مسئله، برای پرونده‌های زیست‌محیطی که در آن، موضوع ارائه مدارک علمی و قطعی شایع است، چالش‌برانگیز است.^{۱۰۰} خصوصاً زمانی که مانند قضیه گابچیکوو، آسیب پیش‌بینی شده، نتیجه برخی فرایندهای طبیعی نسبتاً کند باشد،^{۱۰۱} دفاع بر مبنای مبنای ضرورت، ظاهراً قابل قبول نخواهد بود مگر اینکه بتوان با قطعیت نشان داد که آسیب اتفاق خواهد افتاد.^{۱۰۲} از آنجا که به ندرت مدارک علمی دال بر وجود آسیب زیست‌محیطی قطعی است، حتی زمانی که موضوع اقدام احتیاطی مشروع مطرح باشد، ظاهراً فرصت انجام دفاع بر مبنای ضرورت زیست‌محیطی به وجود نخواهد آمد.^{۱۰۳} اما اصل اقدامات احتیاطی با وجود داشتن قابلیت برای کاهش شدت حکم صادره، حتی در رأی نهایی، ذکر هم نشد. این رویکرد دیوان که برای ممانعت از کاربرد اصل اقدامات احتیاطی، بیش از حد لزوم، سخت‌گیرانه است، در سال ۱۹۹۹ از جانب کمیسیون حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شد. پس از بررسی حقوق مسئولیت دولت‌ها، دیوان خاطر نشان کرد که ضرورت «نمی‌بایست چنان سخت‌گیرانه تنظیم شود که طرف پرونده‌ای که به آن استناد می‌کند ناچار باشد ثابت کند که رویداد پیش‌بینی شده، بدون ذره‌ای تردید به وقوع خواهد پیوست».^{۱۰۴}

در خصوص این موضوع، دو اعتراض وارد است: اول اینکه رأی، هر تأثیری که بر اصل احتیاط گذاشته باشد، بر مبنای اعمال صحیح حقوق سخت‌گیرانه مسئولیت کشورها و نیز حقوق

99. David Freestone and Ellen Hey, *Origins and Development of the Precautionary Principle*, in D. Freestone and E. Hey (eds) *The Precautionary Principle and International Law: The Challenge of Implementation*, Kluwer Law International, 1996, p. 13.

100. *Ibid.*

101. Judgment, *op. cit.*, No. 12, p. 44.

102. Atapattu, *op. cit.*, No. 28.

103. Preiss, *op. cit.*, No. 7, p. 336.

104. International Law Commission, *Report of the International Law Commission on the work of Its Fifty First Session*, GAOR, 54th Session, Supp. No. 10, UN Doc. A/54/10, 1999, 377.

معاهدات صادر شده است،^{۱۰۵} چه آنکه در ماده ۳۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که به موضوع ضرورت اختصاص دارد، از آن به‌عنوان نوعی دفاع نام برده شده است که می‌بایست به‌صورت قاعده‌ای استثنایی تفسیر شود و اصولاً در متن ماده آمده است که دولت‌ها در عدم انجام تعهدات بین‌المللی خود نمی‌توانند به ضرورت استناد کنند مگر آنکه برای رفع خطری قریب‌الوقوع باشد. در واقع، از آنجاکه در موقع صدور رأی، هنوز طرح مسئولیت به تصویب نهایی کمیسیون نرسیده بود (طرح مسئولیت در سال ۲۰۰۱ به تصویب کمیسیون رسید) دیوان محتاط بود که برخلاف رویکرد کمیسیون عمل نکند و بر آن بود که از دفاع ضرورت، تفسیر مضیقی به عمل آورد. اما به نظر می‌رسد که بتوان انجام اقدامات احتیاطی در حوزه پیشگیری از آسیب‌های محیط‌زیستی را موسع تفسیر کرد،^{۱۰۶} چه آنکه کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز خاطرنشان کرده است که پیشرفت‌ها در حوزه حفاظت از محیط‌زیست، در دو دهه اخیر، فزونی یافته است.^{۱۰۷} درحقیقت، جایگاه و موقعیت اصل اقدامات احتیاطی در زمان بروز اختلاف گابچیکوو در حال نشو و نما بود^{۱۰۸} و در دکتترین، رویکرد قابل‌توجهی جهت پذیرش این اصل به‌عنوان قاعده عرفی وجود داشت^{۱۰۹} و روند حمایت از این اصل در سال‌های پس از طرح قضیه گابچیکوو نیز پررنگ‌تر شد.^{۱۱۰} البته دیوان در حوزه‌ای که اصل اقدامات احتیاطی می‌توانست مرتبط با موضوع دعوا باشد، هیچ اشاره‌ای به آن نکرد.^{۱۱۱} بی‌شک، نگرانی‌ها در رابطه با سوءاستفاده احتمالی از مسئله عدم قطعیت علمی برای خودداری از اجرای تعهدات معاهده قابل‌درک است^{۱۱۲} اما با توجه به قوت این بحث که اصل اقدامات احتیاطی را می‌توان قاعده‌ای عرفی تلقی کرد، هم در رابطه با مسئله

105. A. Salman (ed), *Groundwater: Legal and Policy Perspectives: Proceedings of a World Bank Seminar*, *World Bank Technical Paper*, No. 456, 1999, 149. <http://www.wds.worldbank.org/servert/WDSContentServer/WDSP/IB/1999/12/30/000094946_99122006354976/Rendered/INDEX/multi_page.txt> 25 March 2012.

۱۰۶. به‌عنوان مثال می‌توان به استدلال‌های دیوان در نظریه مشورتی سال ۲۰۰۴ در خصوص احداث دیوار حائل توسط اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین مراجعه کرد.

۱۰۷. Hugh Thirlway, *The Sources of International Law*, in M. Evans (ed) *International Law*, 2003, pp. 117, 136.

۱۰۸. Philippe Sands, *Environmental Protection in the Twenty First Century: Sustainable Development and International Law*, in R. Revesz, P. Sands and R. Stewart (eds) *Environmental Law, the Economy and Sustainable Development*, 2000, pp. 369, 384.

۱۰۹. Owen McIntyre and Thomas Mosedale, *The Precautionary Principle as a Norm of Customary International Law* 9(2) *Journal of Environmental Law*, 1997, pp. 221, 235.

۱۱۰. برای بررسی بیشتر، ن.ک:

Trouwborst, *op. cit.*, n 76, particularly at pp. 272 - 275.

111. Philippe Sands, *International Environmental Litigation and its Future*, 32 *University of Richmond Law Review*, 1999, pp. 16, 19. And; Russell Unger, *Brandishing the Precautionary Principle Through the Alien Tort Claims Act*, 9 *New York University Environmental Law Journal*, 2001, pp. 638, 655.

112. Dobos, *op. cit.*, No. 99, p. 397.

قطعیّت و هم در ارتباط با صحت استدلال‌های مطرح‌شده در دعوا می‌بایست به آن توجه کافی بشود.

دومین اعتراض قابل‌طرح این است که اصولاً اصل اقدامات احتیاطی در حقوق داخلی حائز اهمیت است. با توجه به اینکه در این حوزه، مسؤلیت کشورها موضوعی نامرتب است، می‌توان استدلال کرد که نگرانی درمورد اینکه رأی اکثریت بر کاربرد اصل احتیاط، تأثیر خواهد گذاشت، بی‌اساس است. اما حداقل در یک پرونده در استرالیا، به دیدگاه‌های اکثریت در رابطه با ضرورت زیست‌محیطی در هنگام به‌کارگیری اصل احتیاط طبق قانون داخلی استناد شده است.^{۱۱۳} درحالی‌که شاید هیچ تفاوتی در نتیجه پرونده به‌وجود نیاید، همین واقعیت که دیدگاه اکثریت در رابطه با ضرورت، مرتبط تلقی می‌شود، بنا به دلایل فوق‌الذکر باعث ایجاد نگرانی خواهد شد. گروهی معتقدند که تأثیر پرونده گابچیکوو در توسعه اصل اقدامات احتیاطی از دو جهت منفی است.^{۱۱۴} اول اینکه همین عدم توفیق دیوان در استناد به این اصل موجب ممانعت از توسعه بین‌المللی این اصل شده است و دوم اینکه آرای دیوان در رابطه با قاعده ضرورت، باعث آغاز روندی خطرناک به این سمت شده که با استناد به مقررات موجود در حقوق مسؤلیت کشورها، قواعد حمایت از محیط‌زیست نادیده گرفته شود.

۳-۲. ارزیابی اثرات زیست‌محیطی

اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی که معمولاً، هم به‌عنوان عنصر شکلی ضروری در دستیابی به توسعه پایدار قلمداد می‌شود^{۱۱۵} و هم یکی از جنبه‌های قابل‌توجه (ماهوی) به‌کارگیری اقدامات احتیاطی است^{۱۱۶} نیز در قضیه گابچیکوو مورد بحث قرار گرفت. این قضیه، برخلاف تأثیر منفی‌اش بر اصل اقدامات احتیاطی، در بحث اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، تأثیری مثبت بر توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست داشته است.

بر اساس تلقی عمومی، اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی به مطالعاتی اشاره دارد که به بررسی تأثیرات نامطلوب یک پروژه خاص بر محیط‌زیست می‌پردازد.^{۱۱۷} هرچند دیوان به‌طور آشکار این اصل را تبیین نکرد، خاطر نشان ساخت که معاهده ۱۹۷۷ حاوی شرایطی است که می‌بایست در جهت جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی، گام‌هایی برداشته شود و اضافه کرد:

113. *Telstra Corporation Ltd v. Hornsby Shire Council* (2006) 146 LGERA 10, 40 (Preston CJ and Brown C).

114. See *Trudeau and Negre, op. cit.*, No. 88, p. 611.

115. *Boyle and Freestone, op. cit.*, No. 29, p. 9.

116. *McIntyre and Mosedale, op. cit.*, No. 110, p. 238.

117. *Preiss, op. cit.*, No. 7, p. 310.

«آگاهی از آسیب‌پذیری محیط‌زیست و پذیرش اینکه خطرات زیست‌محیطی می‌بایست به‌طور پیوسته ارزیابی شود، در سال‌های پس از انعقاد معاهده بسیار بالاتر رفته است».^{۱۱۸} همچنین دیوان خاطرنشان می‌کند که طرفین دعوا نیز بر این امر اذعان دارند که می‌بایست نگرانی‌های زیست‌محیطی را به‌جد ملاحظه کرد و اقدامات احتیاطی لازم را به‌عمل آورد اما آن‌ها در خصوص آثار این اقدامات بر پروژه مشترک، شدیداً اختلاف‌نظر دارند.^{۱۱۹} در این رابطه، دخالت طرف ثالث در نزدیک‌تر کردن نظرات طرفین به هم و یافتن راه‌حل مطلوب - به شرط آنکه طرفین، موضعی منطقی داشته باشند - بسیار مفید خواهد بود.^{۱۲۰}

درحالی‌که می‌توان این عبارات را استنادی به اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی برشمرد،^{۱۲۱} دیوان این موضوع را به‌گونه‌ای مبهم بدون ارائه توضیحی در رابطه با مبنای حقوقی آن مطرح می‌کند.^{۱۲۲} اما درحالی‌که قضاوت اکثریت، دچار مقداری عدم قطعیت شده است، آن‌چنان‌که بر اصل اقدامات احتیاطی تأثیر منفی گذاشته، بر اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی اثر نامطلوب نداشته است. شاید دلیل‌اش این باشد که شرایط پرونده، امکان بحث گسترده را در مورد اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی فراهم نمی‌کرد؛ بدین معنا که عدم حضور آن در استدلال‌های اکثریت، چندان شگفت‌آور نبود. در بدترین حالت، رأی دادگاه، ناکارآمد تلقی شده^{۱۲۳} و در بهترین حالت، این رأی به‌جای اینکه آسیبی جدی به آن وارد کند، موجب بهبود توسعه اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی شده است. اما قاضی *ویراماتیری* به‌طور نسبتاً مفصل به بحث در مورد اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پرداخت. وی استدلال کرد که معاهدات باید بدون توجه به تاریخ امضا، مطابق با مقررات زیست‌محیطی نوین تفسیر شود.^{۱۲۴} بر این اساس وی پیشنهاد کرد: «حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در مرحله کنونی توسعه خود قادر است در معاهداتی که به لحاظ منطقی تأثیر چشمگیری بر محیط‌زیست دارند، مسئولیت ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی را بگنجاند».^{۱۲۵}

این دیدگاه از دو جنبه حائز اهمیت است: اول اینکه قاضی *ویراماتیری* چارچوب تعهدات را طوری تنظیم کرده که اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی به‌عنوان «کاربردی ویژه از اصل احتیاط

118. Judgment, *op. cit.*, p. 112.

119. *Ibid.*, 113.

120. *Ibid.*, 113.

121. Stec, *op. cit.*, No. 5, p. 364.

122. Atapattu, *op. cit.*, No. 28, p. 341.

123. Preiss, *op. cit.*, No. 7, p. 345.

124. *Ibid.*, p. 348.

125. Separate Opinion, *op. cit.*, No. 6, p. 112.

عمومی وسیع‌تر به اجرا درآید^{۱۲۶} و بدین ترتیب، برداشت خود را این‌گونه مطرح کرد که هم اصل اقدامات احتیاطی و هم اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی از جایگاه حقوقی برخوردارند. دوم اینکه او به اصل ارزیابی پیوسته تأثیرات زیست‌محیطی^{۱۲۷} به‌عنوان جنبه‌ای مهم از حقوق بین‌الملل اشاره کرد.^{۱۲۸} شرطی که قاضی *ویرامانتری* طبق این اصل مقرر کرد، چیزی بیش از ارزیابی قبل از آغاز طرح، بلکه ارزیابی پیوسته در طول دوره اجرای طرح بود به این منظور که هرگونه پیامد زیست‌محیطی غیرمنتظره را پیش‌بینی کند.^{۱۲۹}

آن جنبه از دیدگاه قاضی *ویرامانتری* که به مسئله ارزیابی اثرات زیست‌محیطی می‌پردازد ظاهراً تأثیر کمتری نسبت به آن جنبه‌ای دارد که بیشتر به موضوع توسعه پایدار می‌پردازد. به‌عنوان مثال، هیچ دادگاه بین‌المللی یا داخلی به‌طور آشکار به این جنبه از دیدگاه وی استناد نکرده است مگر در جایی که این نیاز وجود داشته که معاهدات در پرتو هنجارها و اصول نوین تفسیر شود.^{۱۳۰} شایان ذکر است که یک هیئت داوری که قاضی *هیگینز* رئیس اسبق دیوان بین‌المللی دادگستری ریاست آن را بر عهده داشت در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد که به‌عنوان اصل کلی حقوقی، درمورد کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از طرح‌های توسعه‌ای که ممکن است تأثیرات نامطلوب زیست‌محیطی قابل‌توجه داشته باشد، مسئولیت وجود دارد.^{۱۳۱} با درنظرگرفتن اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی به‌عنوان موضوعی اساسی در پیشگیری و کاهش آسیب‌ها، این رأی تلویحاً بر دیدگاه قاضی *ویرامانتری* که این اصل را در حقوق بین‌الملل، قاعده امره می‌دانست، صحنه می‌گذارد. ولی جای بسی شگفتی است که هیچ اشاره‌ای به دیدگاه وی نشده است.

اما دو جنبه کلیدی از دیدگاه قاضی *ویرامانتری*، حتی بدون تأیید صریح در رأی قضایی، بر سیاست دولت‌ها، رویه نهادهای بین‌المللی و دکترین تأثیر گذاشته است.

ارزیابی تأثیر یک دیدگاه بر اقدامات کشورها دشوار است زیرا دولت‌ها به‌ندرت برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی خودشان، مبنای حقوقی بین‌المللی ذکر می‌کنند. بدون تردید، این انتظار، منطقی است که توسعه اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی از طریق اعلام رسمی جایگاه عرفی برای آن، تأثیری اساسی بر اقدام ملی یک‌صد یا بیش از یک‌صد کشوری داشته باشد که

126. *Ibid.*, p. 113.

127. Atapattu, *op. cit.*, No. 28, p. 305.

128. Separate Opinion, *op. cit.*, No. 6, p. 111.

129. *Ibid.*

130. Preiss, *op. cit.*, No. 7, p. 310.

131. Atapattu, *op. cit.*, No. 28, p. 302.

دارای مقررات حقوقی جهت اعمال اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی هستند.^{۱۳۲} این مسئله از اقداماتی ناشی می‌شود که نشان می‌دهد درحالی‌که تعهد به اجرای اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در ابتدا در بُعد ملی بروز کرده است، هنجارهای اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی بین‌المللی به تدریج به سوی حقوق بین‌المللی سوق داده شده است.^{۱۳۳} در واقع، چندین دولت از زمان وقوع قضیه گابچیکوو، آمادگی خود را برای توسعه بیشتر اجرای اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی اعلام کرده‌اند.^{۱۳۴}

اگرچه معمولاً در نظر گرفتن رابطه‌ای سببی بین این رأی و توسعه سیاست‌گذاری‌های کشورهای دشوار است، یکی از نمونه‌هایی که در آن رأی گابچیکوو تأثیر قابل‌توجهی بر اقدام یک کشور داشته است، آفریقای جنوبی است. یک سند ارجاع که وزارت گردشگری و امور زیست‌محیطی با عنوان ارزیابی‌های زیست‌محیطی برای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی منتشر کرد، نقش خود را «راهنمایی برای اعمال حقوق بین‌الملل مبنی بر انجام ارزیابی‌های زیست‌محیطی» برمی‌شمارد که حقوق داخلی آفریقای جنوبی تحت تأثیر آن قرار گرفته است.^{۱۳۵} دیدگاه قاضی ویرامانتری در ارتباط با اصل ارزیابی پیوسته اثرات زیست‌محیطی مورد استناد قرار گرفته و گزارش منتشر شده در این رابطه خاطر نشان می‌کند که این اصل، «مسئولیت نظارت بر تأثیرات زیست‌محیطی هر پروژه مهم را در طول زمان اجرای طرح، چه صراحتاً در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی زیست‌محیطی قید شده و چه نشده باشد»، الزامی می‌داند.^{۱۳۶} این گزارش که نمونه نادر از پذیرش رأی یک محکمه قضایی بین‌المللی در سطح داخلی است، حداقل در یک مورد نشان می‌دهد که دیدگاه قاضی ویرامانتری بر درک حقوقی و شکل‌گیری سیاست داخلی دولتی تأثیر گذاشته است.

همچنین رأی گابچیکوو بر رویه نهادهای بین‌المللی نیز تأثیر داشته است. به‌عنوان مثال، کمیسیون حقوق بین‌الملل به رأی اکثریت استناد می‌کند اما بدون شک، توضیحات مبسوط ویرامانتری نیز در هنگام اشاره به تعهد عرفی «نظارت پیوسته بر فعالیت‌های پرخطر» بر آن تأثیر داشته است.^{۱۳۷} بانک جهانی نیز به این رأی توجه کرده و مشاوران عالی آن در زمینه حقوق

132. Markus Gehring and Marie Claire Cordonier Segger, Sustainable Development through Process in World Trade Law, in M. Gehring and M. Segger (eds) *Sustainable Development in World Trade Law*, 2005, pp. 189, 195.

133. *Ibid.*, p. 194.

134. Marie Claire Cordonier Segger, *Negotiating Sustainable Development in the Free Trade Area of the Americas?*, in M. Gehring and M. Segger (eds) *Sustainable Development in World Trade Law*, 2005, pp. 461, 483.

135. James Cross and Reuben Heydenrych, *Environmental Assessments for International Agreements, Integrated Environmental Management Information Series 19*, 2005, p. 4.

136. *Ibid.*, p. 7.

137. Rao, *op. cit.*, No. 87, p. 31.

بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، به دیدگاه قاضی *ویراماتری* به‌عنوان دلیلی بر جایگاه عرفی اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی استناد می‌کنند.^{۱۳۸}

درنهایت، دکترین از دو جنبه کلیدی، دیدگاه قاضی *ویراماتری* را حائز اهمیت می‌شمارد: اول اینکه در رابطه با تعهد به اجرای اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی به‌عنوان دلیلی بر جایگاه عرفی این اصل، به دیدگاه او استناد می‌شود.^{۱۳۹} و با توجه به اینکه تعهد به اجرای اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، فرع بر اصل احتیاط تلقی می‌شود،^{۱۴۰} این احتمال که هر دوی این اصول درنهایت به‌عنوان قواعد حقوق بین‌الملل عرفی تلقی شوند، افزایش خواهد یافت.

دوم اینکه دیدگاه قاضی *ویراماتری* در توضیح مفهوم اصل ارزیابی پیوسته اثرات زیست‌محیطی به‌صورت الزام به نظارت بر پروژه‌هایی که احتمال تأثیرات زیست‌محیطی قابل‌توجهی برای آن‌ها وجود دارد، حائز اهمیت تلقی می‌شود.^{۱۴۱} بسیاری از حقوق‌دانان بر اهمیت دیدگاه‌های قاضی *ویراماتری* در رابطه با اصل ارزیابی پیوسته اثرات زیست‌محیطی تأکید دارند و آن را راهنمای اعمال قوانین مبهم داخلی می‌دانند.^{۱۴۲} بدین ترتیب، علاوه بر اقدامات کشورها و سازمان‌ها، دکترین نیز بر اینکه قضیه *گابچیکوو* در توسعه اصل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست حائز اهمیت بوده است تأکید می‌کند.

نتیجه

رای قضیه *گابچیکوو* بدون شک، انتظارات کسانی را که می‌خواستند دیوان، مقتدرانه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را تأیید کند برآورده نساخت. اما از بحث پیش‌گفته، دو نتیجه مهم قابل‌برداشت است: اول اینکه استناد گسترده دادگاه‌ها، کشورها، سازمان‌ها و دکترین داخلی و بین‌المللی به این قضیه، تأثیر چشمگیری بر توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست داشته است. دومین نتیجه هم این است که هم دیدگاه اکثریت و هم دیدگاه قاضی *ویراماتری* به این تأثیر کمک کرده‌اند. از این رو اگر قضاوت دیوان به‌طور کلی فرصتی از دست‌رفته برای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تلقی شود، بیش از حد ساده‌انگارانه خواهد بود.^{۱۴۳} به همین اندازه باید مراقب بود که

138. Charles Di Leva, *Legal Foundation of SEA*, online: World Bank, <http://info.worldbank.org/etools/docs/library/121380/m1_leva.pdf> 25 March 2012.

139. Preiss, *op. cit.*, No. 7, p. 351.

140. Gehring and Segger, *op. cit.*, No. 133, p. 192.

141. Preiss, *op. cit.*, no. 7, pp. 350-351.

142. Justice Paul Stein, *Are Decision-Makers Too Cautious with the Precautionary Principle?*, Speech delivered to the Land and Environment Court of New South Wales Annual Conference, 1999, 14-15 October, <http://www.lawlink.nsw.gov.au/lawlink/supreme_court/ll_sc.nsf/pages/SCO_speech_stein_141099> 25 March 2012.

143. A-Khavari and Rothwell, *op. cit.*, No. 22, p. 509.

پذیرش کامل دیدگاه قاضی *ویرامانتری* موجب نشود که دیدگاه اکثریت، کم‌اهمیت پنداشته شود.^{۱۴۴}

برخلاف تصور رایج، حتی یک بار ارجاع اکثریت به مفهوم توسعه پایدار در محاکم قضایی داخلی و بین‌المللی نیز بسیار مؤثر بوده است. از سوی دیگر، دیدگاه قاضی *ویرامانتری* اگرچه به‌عنوان دیدگاهی پیشرو قابل‌تحسین است، به همان اندازه که ستایش شده است با انتقاد هم روبه‌رو بوده است. در واقع، با اینکه در بررسی اولیه، ظاهراً دو دیدگاه، تفاوت گسترده‌ای با یکدیگر دارند، در نگاه‌های بعدی می‌توان دریافت که تأثیر نهایی این دو به‌طرز چشمگیری شبیه به یکدیگر است. شاید این‌طور به نظر برسد که دادگاه‌ها بیشتر به جنبه‌های جدیدتر دیدگاه قاضی *ویرامانتری* توجه نشان می‌دهند، اما در واقع، برداشت اکثریت و هنجار توسعه پایدار قاضی *ویرامانتری*، هر دو به‌عنوان رویکردی که برای تصمیم‌گیری، ملاحظات زیست‌محیطی را با توسعه اقتصادی در هم می‌آمیزد مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تأثیر این قضیه بر اصل اقدامات احتیاطی، این اعتقاد را تقویت می‌کند که قضاوت دیوان، یک فرصت از دست‌رفتهٔ زیان‌بار بوده است. عدم توفیق دیوان در تعیین جایگاه این اصل، هم در دادگاه‌های بین‌المللی و هم در محافل دانشگاهی، باعث سردرگمی و عدم قطعیت شده است. در نهایت، در رابطه با قاعده ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، دیدگاه قاضی *ویرامانتری* با کمک دیدگاه اکثریت، منجر به رشد مثبت جایگاه و محتوای این جنبه از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شده است. بازتاب این مسئله در سیاست‌های دولت‌ها، رویه سازمان‌های بین‌المللی و دکترین، قابل مشاهده است.

با توجه به تأثیر قضاوت دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده *گابچیکوو - ناگیماروس*، دلایل زیادی برای این خوش‌بینی وجود دارد که درعین حال که برخی از جنبه‌های زیان‌بار رأی نیازمند اصلاح است، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در بیشتر موارد، رشد مثبتی در نتیجه این قضیه داشته است. توجه گسترده به قضیه *گابچیکوو* مؤید این نکته است که دیوان بین‌المللی دادگستری، جایگاه خود را در رأس دادگاه‌های بین‌المللی حفظ کرده است. لذا می‌توان امیدوار بود که در آینده، دیوان در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، گام‌هایی محکم‌تر بردارد.

منابع:

الف) فارسی

- کتاب

- بلز، چیکاوا؛ چکیده رویه قضایی در حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه: همایون حبیبی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.
- شاول، ملکم؛ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ترجمه: علی مشهدی و حسن خسروشاهی، خرسندی، ۱۳۹۲.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا و دیگران؛ آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۸.

- مقاله

- گرجی مهلبانی، یوسف؛ «نقد معماری پایدار و نقد آن در حوزه محیط‌زیست»، نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹.

ب) انگلیسی

- Afshin A-Khavari and Donald Rothwell, *The International Court of Justice and the Danube Case: A Missed Opportunity for International Environmental Law?*, 22 *Melbourne University Law Review*, 1998.
- Alan Boyle, *The Gabčko-Nagymaros Case: New Law in Old Bottles*, 8 *Yearbook of International Environmental Law*, 1997.
- Alan Boyle and David Freestone, Introduction in A. Boyle and D. Freestone (eds), *International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future Challenges*, 1999.
- Alhaji Marong, *From Rio to Johannesburg: The Role of International Legal Norms in Sustainable Development*, 16 *Georgetown International Environmental Law Review*, 2003.
- Arie Trouwborst, *Evolution and Status of the Precautionary Principle in International Law*, Kluwer Law International, 2002.
- A. Salman (ed) *Groundwater: Legal and Policy Perspectives: Proceedings of a World Bank Seminar*, World Bank Technical Paper No. 456, 1999.
- Charles Di Leva, *Legal Foundation of SEA*, online: World Bank.
- Claudia Marques and Catherine Tinke, *The Water Giant Awakes: An Overview of Water Law in Brazil*, 83 *Texas Law Review*, 2005.
- Daniel Dobos, *The Necessity of Precaution: The Future of Ecological Necessity and the Precautionary Principle*, 13 *Fordham Environmental*

Law Journal, 2002.

- David Freestone and Ellen Hey, Origins and Development of the Precautionary Principle , in D. Freestone and E. Hey (eds) *The Precautionary Principle and International Law: The Challenge of Implementation*, Kluwer Law International, 1996.
- Erika Preiss, The International Obligation to Conduct an Environmental Impact Assessment: the International Court of Justice Case concerning the Gabıkovo-Nagymaros Project 7 *New York University Environmental Law Journal*, 1999.
- Guillaume Gilbert, The Proliferation of International Judicial Bodies: The Outlook for International Legal Order , *Sixth Committee of the General Assembly of the United Nations*, 27 October 2000.
- Helene Trudeau and Celine Negre, Precaution in Multilateral Environmental Agreements and its Impact on the World Trading System , in M. Gehring and M. Segger (eds) *Sustainable Development in International Trade Law*, 2005.
- Hugh Thirlway, The Sources of International Law in M. Evans (ed) *International Law*, 2003.
- Ian Brownlie, *Principles of Public International Law*, 5th Edition, Oxford University Press, 1998.
- James Cross and Reuben Heydenrych, *Environmental Assessments for International Agreements*, Integrated Environmental Management Information Series 19, 2005.
- Jennifer Cassel, Enforcing Environmental Human Rights: Selected Strategies of US NGOs , 6 *Northwestern University Journal of International Human Rights*, 2007.
- Justice Paul Stein, Are Decision-Makers Too Cautious With the Precautionary Principle? , Speech delivered to the Land and Environment Court of New South Wales Annual Conference, 1999.
- Justice Paul Stein, Major Issues Confronting the Judiciary in the Adjudication of Cases in the Area of Environment and Development , *The South-East Asian Regional Symposium on the Judiciary and the Law of Sustainable Development*, March 1999.
- Marie-Claire CordonierSegger, Negotiating Sustainable Development in the Free Trade Area of the Americas? , in M. Gehring and M. Segger, (eds) *Sustainable Development in World Trade Law*, 2005.
- Markus Gehring and Marie-Claire Cordonier Segger, Sustainable Development through Process in World Trade Law , in M. Gehring and M. Segger (eds) *Sustainable Development in World Trade Law*, 2005.
- Owen McIntyre, Case Law Analysis: Environmental Protection of International Rivers , 10(1) *Journal of Environmental Law*, 1998.
- Owen McIntyre and Thomas Mosedale, The Precautionary Principle as a

Norm of Customary International Law , 9(2) *Journal of Environmental Law*, 1997.

- Pemmaraju Sreenivasa Rao (Special Rapporteur), *Third Report on the Legal Regime for the Allocation of Loss in Case of Transboundary Harm Arising out of Hazardous Activities*, 58th Session of the International Law Commission, 2006, UN Doc. A/CN.4/566.
- Philippe Sands, Environmental Protection in the Twenty-First Century: Sustainable Development and International Law , in R. Revesz, P. Sands and R. Stewart (eds) *Environmental Law, the Economy and Sustainable Development*, 2000.
- Philippe Sands, International Courts and the Application of the Concept of Sustainable Development , 3 *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, 1999.
- Philippe Sands, International Environmental Litigation and Its Future , 32 *University of Richmond Law Review*, 1999.
- Philippe Sands, *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press, 2nd Edition, 2003.
- Philippe Sands, Sustainable Development: Treaty, Custom, and the Cross-fertilization of International Law , in A. Boyle and D. Freestone, (eds) *International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future Challenges*, 1999.
- Russell Unger, Brandishing the Precautionary Principle through the Alien Tort Claims Act , 9 *New York University Environmental Law Journal*, 2001.
- Stephen Stec, Do Two Wrongs Make a Right? Adjudicating Sustainable Development in the Danube Dam Case , 29 *Golden Gate University Law Review*, 1999.
- Stephen Stec and Gabriel Eckstein, Of Solemn Oaths and Obligations: The Environmental Impact of the International Court of Justice Decision in the Case Concerning the Gab ,kovo-Nagymaros Project , 8 *Yearbook of International Environmental Law*, 1997.
- Sumudu Atapattu, *Emerging Principles of International Environmental Law*, 2006.
- Sumudu Atapattu, Sustainable Development, Myth or Reality? A Survey of Sustainable Development under International and Sri Lankan Law , 14 *Georgetown International Environmental Law Review*, 2001.
- Vaughan Lowe, Sustainable Development and Unsustainable Arguments , in A. Boyle and D. Freestone, (eds) *International Law and Sustainable Development: Past Achievements and Future Challenges*, 1999.
- *Arbitration Regarding the Iron Rhine Railway (Belgium v. Netherlands)* (2005).

- Gab_kovo-Nagymaros Project (*Hungary v. Slovakia*), 1997.
- Gab_kovo-Nagymaros Project (*Hungary v. Slovakia*) (*Separate Opinion of Vice President Weeramantry*) ICJ Rep. (Separate Opinion), 1997.
- International Law Commission, *Report of the International Law Commission on the Work of Its Fifty First Session*, GAOR, 54th Session, Supp. No. 10, UN Doc. A/54/10, 1999.
- Transcript of Proceedings, Case Concerning Land Reclamation by Singapore (*Malaysia v. Singapore*), The International Tribunal for the Law of the Sea, 27 November 2003, <<http://www.itlos.org>> at 25 March 2012.
- Southern Bluefin Tuna Cases (Requests for Provisional Measures) (*New Zealand v. Japan; Australia v. Japan*), (Separate Opinion of Judge Treves), The International Tribunal for the Law of the Sea, 2001.
- UNEP, *Compendium of Summaries of Judicial Decisions in Environment Related Cases* (2004).

